



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

روز جهانی کارگر



اردیبهشت 1398

سرکوب، به شیوه‌های گوناگون، ابزار همیشگی همه‌ی رژیم‌های مبتنی بر سلطه و استثمار برای حفظ قدرت سیاسی و طبقاتی است. سرکوب، در جمهوری اسلامی، همزاد و همراه آن از نخستین روز، وجهی تعیین‌کننده از هویت آن و عنصری ساختاری در بنیادهای این رژیم است.

آگاهی کارگران و زحمتکشان - همانا همه‌ی آنهایی که در چرخه‌ی تولید و تحقق ارزش و ارزش اضافی چاره‌ای جز فروش نیروی کارشان و مکیده‌شدن شیرهی جان‌شان در لابلای این نظام انسان‌ستیز ندارند - به سازوکارهای سلطه و استثمار، به امکان و راه‌های برانداختن نظام مبتنی بر سلطه و استثمار، به امکان واقعی و عینی برپاسازی جامعه‌ای دیگر، رها از سلطه و استثمار و به نقش بنیادین و تعیین‌کننده‌ی خود در واژگون ساختن این نظام و برپایی آن جامعه‌ی دیگر، شرط انکارناپذیر چنین دگرگونی‌ای است. تلاش برای گسترش و ژرفایفتن این آگاهی، وظیفه‌ای است هرروزه و همیشگی.

جشن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز نمایش آشکار، پرتوان و رزمنده‌ی این آگاهی و قدرت است. هر شیوه‌ای از مبارزه که پایه‌های عنصر ساختاری سرکوب را متزلزل کند و هر آذرخشی که سکوت مرگبار فضای سرکوب را بشکند، جلوه‌ای از آگاهی و قدرت و دلیری مبارزان راه جامعه‌ای بری از سلطه و استثمار است. هر جا و به هر شیوه‌ای که می‌توانیم، به هرچه رساتر شدن و پرتوان‌تر بودن فریاد کارگران در این روز یاری کنیم. اعتراض آشکار به زندانی و شکنجه‌کردن کارگران، دانشجویان، معلمان و دستگیری و محاکمه‌ی نویسندگان و روشنفکرانی که برابر رژیم سرکوب و اختناق و شکنجه و اعدام سر تسلیم فرود نمی‌آورند، نه تنها مغایرتی با کار هرروزه و صبورانه و دائمی آگاهی و سازمان‌یابی ندارد، بلکه وجهی ضروری از حضور واقعی این مبارزه است؛ هرروز، به‌ویژه در روز جهانی کارگر.

بازو در بازو، شانه به شانه و گام به گام، همراه و هم‌رزم کارگران و پیشروان مبارز و آگاه باشیم و عزیزان دربند دژخیمان را تنها نگذاریم.